استقلال خپلواکی
www.esteqlaal.net

به اهتمام ملالی موسی نظام ۳۰ اکتوبر، ۲۰۲۶

رسالۀ پرده سرای اعترافات

نویسنده: مرحوم رحمت الله غرزی

مقدمه:

به سلسلۀ معرفی جنایتکاران، پیروان و معتقدین وابسته به گروه سخیف و گمراه «خلق و پرچم» که زیر لوای تشکیل «حزب دیموکراتیک خلق» مرتکب، جنایات غیر بشری، ویرانی افغانستان آزاد و غیر منسلک، کشتار و شهادت بیشمار وطن داران و دربدری و آوارگی ملیون ها سکنۀ سرزمین خویش گردیدند، طوریکه اثرات شوم آن جریان سیاه بعد از نیم قرن هنوز گریبان ملت مظلوم و مملکت ویران را گرفته است. بنا برآن، این وبسایت حتی المقدور با تلاش پیگیر در زمینۀ خدمت به هموطنان و نسل های حال و آینده، پرده از جنایات و خیانت های گستردۀ آن هموطنان گمراه را جزئی از وظایف ملی و فرهنگی خویش قرار میدهد.

به همگان معلوم استکه در آغاز کودتای منحوس هفتم ثور، حبس، شکنجه و کشتار جمع کثیری از هموطنان بیگناه و بیدفاع ما از مردم شهر ها و طبقات با سواد و تعلیم یافتگان که بدون شک عاقبت چنان تغییر هولناک و سیاهی را وخیم و علیه ارزش های ملی، دینی و فرهنگی ملت افغانستان میدانستند، آغاز گردید. طوریکه هزاران فرد بیگناه از منزل یا دفاتر و قرارگاه های خویش و حتی از خیابان و سرک بدون چون و چرا، توقیف، حبس و یا به کشتارگاه ها منتقل میگردیدند. تعدادی ازین مظلومان حتی بصورت فامیلی و دسته جمعی به محابس انداخته شده و با هموطنان بینوای دیگر شان در اثر هدایت اولیای امورجنایت پیشه، با گمنامی درگور های دسته جمعی به ابدیت میپیوستند.

فامیل غرزی که والد بزرگوار شان «شهید عبدالوکیل غرزی» ملیگرایان و قهرمانان معرکۀ استقلال وطن در جنگ سوم افغان و انگلیس محسوب میگردد و منار شکوهمندی در ده مزنگ شهر کابل بنام «منار عبدالوکیل خان» آن قسمت شهر کابل را افتخار بخشیده است، از هموطنان و همشهریان معزز و محترم بشمار میرفتند. همانطور که ذکر گردید در گیر و گرفت های

کودتای ثور، با جنایات وسیع هفت ثوری ها، تعداد زیادی از این خانوادۀ محترم همچنین ابتداء محبوس و بعد تر شهید گردیدند. محترم «رحمت الله غرزی» که از قضی جان سالم بدر برد، فرزند برادر بزرگ فامیل یعنی شهید «وکیل محمد صفر غرزی» بود که منحیث یک شاهد عینی این اثر نهایت ابتکاری و خاص را به منظور خدمتی به هموطنان محترم تحریر داشته است که یک جلد آنرا دهه ها قبل به این قلم مرحمت فرمودند. م. نظام

*****

درام یا نمایشنامه در شش پرده

پیش گفتار:

این نبشته را که بصورت یک درام در شش پرده تنظیم گردیده است، به خوانندگان محترمی که علاقه و دلچسپی به گذشت زمان، بالخصوص دهۀ پر از ننگ و عار کودتای شرم آور هفت ثور ۱۳۵۷ دارند و متوجه بوده اند که مملکت ما افغانستان عزیز بدست یک کتلۀ بی سروپا، وحشی و فاقد نام شریف انسانی، به حمایۀ دولت شوروی و دستگاه کی جی بی ویران و به خاک و خون کشیده شد، تقدیم میدارم، تا باشد که جوانان، روشنفکران به شمول شاگردان مکاتب و پوهنتون ها از صحنه های خونین اسلاف خویش که چگونه مقابل کفر و الحاد سینه های شان را سپر و جان های شرین شان را برای حفظ استقلال وطن و آزادی کشور از دست داده اند از خاطر فراموش ننموده و گاه و بیگاه بصورت درام در مکاتب و نمایشکاه ها از آن استفاده نمایند.

این نبرد و مبارزات مسایل ملی بوده و با یاد آوری جانفشانی های گذشتگان در راه وطن و اینکه چگونه یک اقلیت محدود برای بربادی وطن، بازیچۀ غیر گردیدند و دست های مرموز کی جی بی، این اوباشان را حمایه نمود و چطور آن ابر قدرت با حضور ۱۵۰ هزار عسکر، در پهلوی دو ملیون شهید، هفت میلیون از مردمان باشرف این سرزمین پاک را به زور قوۀ توپ و طیاره و تکنالوژی جدید روز به اجبار از مملکت باستانی آبایی شان آواره و پریشان ساخت، که البته رسوایی و نام ننگینی برای اتحاد شوروی حاصل گردید.
درین جریان خونین، طوریکه مشاهده گردید، این مملکت کوچک مسلمان به زور پشتونولی و دین مقدس اسلام در مقابل آن ابر قدرت قیام نموده و سبب شکست و نام بدی جهانی آن گردید.
البته جنبش های مقاومت ملی در سراسر جهان که مقاوت افغانستان و شکست شوروی را به چشم سر مشاهده نمودند، باور نمودند که با نیروی مقاومت و ایمان داری میتوان بر دشمن متجاوز پیروز گردید. درین موضوع هر قدر تحریر گردد، کافی نیست.

متمنی است که نوشتهٔ ناچیزم که قسم درامی در شش پرده خدمت شما وطن داران تقدیم میگردد، بدسترس گذاشته، در اختیار نسل امروز و اینده قرار دهید.

با عرض حرمت،

رحمت الله غرزی،

پردهٔ اول

تالار باشکوه شورای ملی افغانستان با بیرق های سیاه، سرخ، سبز که با نشان محراب و منبر باستانی افغانستان مزین گردیده است با بیرق های احزاب هفتگانه جلوهٔ خاصی را دارا میباشد. عساکر افغان با لباس رسمی ملی و قطار و تفنگ بر دوش، برای پذیرایی وکلای منتخب، سناتور ها، وزرا، نمایندگان ملل متحد، دیپلومات ها و سفرای خارجی به شمول سفیر شوروی آهسته، آهسته داخل تالار گردیده و هر کدام به جاهای خاص خود که نمره گذاری شده است، می نشینند. در حالیکه تلاوت قرآن مجید با سورهٔ الفتح بگوش میرسد، با یک انتظام خاص پروگرام و اوراق مخصوص بین مهمانان نقسیم میگردد.

بعد از تلاوت قران کریم، رهبران مجاهدین چون مولانا محمد نبی محمدی، مولانا یونس خالص، حضرت صبغت الله مجددی، برهان الدین ربانی،سیاف، پیر گیلانی، گلبدین حکمتیار با نعره های تکبیر داخل تالار گردیده و با کف زدن ها استقبال شده و هریک به جایگاه خاص خود قرار میگیرند.

طرف چپ دروازهٔ در آمد جای مخصوصی تعبیه گردیده که از شیشه و چوکات ساخته شده است و حکم یک قفسه را دارد که سی چوکی در داخل آن قرار دارد و از جانب محافظین از چهار طرف کنتول و مراقبت میگردد. تا ایندم معلوم نیست که چه جریانی در حال وقوع است، فقط تحریر شده استکه که محاکمهٔ گروهی از خاینین ملی صورت میگیرد. رئیس شورای ملی بعد از ختم تلاوت قرآن شریف، چنین مجلس را افتتاح می نماید:

حضار گرامی، مهمانان، سفراء، رهبران گرامی، سناتوران، نمایندگان و خبر نگاران،

افتخار دارم که بحیث رئیس شورای مملکت عزیزم افغانستان، بعد از ده سال نبرد خونین ملت شریف افغان با ابر قدرت جهانی ای چون روس متجاوز، مجلس شکوهمندی را افتتاح می نمایم که در آن محکمهٔ گروهی از خاینان ملی را که افغان و افغانستان از بردن نام های شان ننگ دارند، بحضور شما مهمانان، نمایندگان محترم کشور های مختلفه و مأمورین عالی رتبه تقدیم می نمایم. این خاینین همه بدون هیچ نوع جبر و فشار از جانب داکتران متخصص معاینه گردیده و به جرایم خویش اعتراف و اقرار خواهند نمود. این محکمهٔ آزاد تا بحال در هیچ مملکت دیگری

چنین و بصورت علنی صورت نگرفته است. بنا بر آن از همه مهمانان محترم خواهش میشود تا نظم مجلس را مراعات نموده و سوالات شان را در اخیر ارایه فرمایند. حال از وزیر صاحب داخله خواهش میشود تا متهمین را به جاهای شان هدایت بفرماید.

دروازه باز میشود و مجرمین داخل میگردند....صدای خاینین، خاینین، خاینین فضای تالار را به لرزه در می آورد. رئیس مجلس زنگ را فشار داده و مردم را به آرامش دعوت می نماید. بالاخره حاضرین سکوت می نمایند، ولی با صدای پائین زمزمه خاموش نشده است. رئیس مجلس بازهم زنگ را به صدا در می آورد و آرامش را خواهش مینماید.

حضار گرامی، طوریکه ملاحظه نمودید این اشخاص، «دست خود را بطرف قفسه میبرد» که درین جا نشسته اند همه شناخته شده هستند که از مدت ده سال به اینطرف افغانستان را به خاک و خون کشیده اند و حالا در حضور شما نمایندگان ملت و مهمانان گرامی و ملت افغانستان اعترافات خویش را از آغاز تا پایان کار داری شان در حالتی که صحت و سلامت هستند، بیان میدارند. خواهشمندم که به گفتار شان گوش داده و اعتراضات خویش را بر روی کاغذ یاد داشت نموده و ارائه فرمایید.

اینک «ببرک مارمل» را که چندین بار از همین تالار شورا، سنگ وطن پرستی را به سینه میزد و حکومت های گذشته را مسئول این همه نابسامانی ها میدانست و خود چه کرد را به شما معرفی میدارم. ببرک کارمل، بفرمایید.

ادامه دارد